

## تا تمرکز زدایی نشود

# چاپکی و چالاکي در نظام آموزشی

## به وجود نمی آید

**گفت و گو با دکتر محمود مهر محمدی  
مجری طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش در چشم انداز بیست ساله کشور  
مصاحبه از: حمید باباوند**

بیش از بیست و نه سال از انقلاب اسلامی کشورمان می گذرد و در این مدت تلاش های گسترده ای از سوی فرهنگیان و فرهیختگان در جهت بهبود و اصلاح آموزش و پرورش در ایران صورت گرفته است. تهیه چندین سند ملی، از جمله «سند تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش»، «سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش»، «سند ملی برنامه آموزش برای همه»، «سند ملی توسعه آموزش و پرورش در برنامه پنج ساله چهارم»، «سند چشم انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ هجری»، «سند چشم انداز توسعه آموزش و پرورش ایران» و نیز انتشار ده ها مقاله، گزارش پژوهشی، تک نگاری و کتاب درباره تنگناها، مسایل و مشکلات آموزش و پرورش، نشان دهنده بخشی از این تلاش ها است. به علاوه، ایجاد تغییرات عمده و اساسی در محتوای کتاب های درسی، تغییر در ساختار آموزش و پرورش، تغییر در نحوه آموزش و تربیت معلمان، افزایش نرخ پوشش کودکان ۱۰-۶ ساله به ۹۸/۵ درصد، توسعه کلاس های درس به مناطق محروم، کاهش درصد بیسوادی از ۵۲/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به کمتر از ۱۵ درصد در سال ۱۳۸۲، کاهش نابرابری های جنسیتی در برخورداری از سواد از ۳۳/۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به کمتر از ۷ درصد در سال ۱۳۸۲، افزایش سطح معلومات معلمان در کلیه دوره های تحصیلی، تأمین و تجهیز منابع مالی جدید، تأمین و تربیت نیروی انسانی، تدوین و اصلاح قوانین و مقررات اداری، افزایش سهم دانش آموزان فنی و حرفه ای و کاردانش از کل دانش آموزان و ده ها موارد دیگر از جمله این فعالیت ها است.

به رغم این تلاش ها و صرف نظر از صبغه فرهنگی نظام اسلامی، تغییرات و اصلاحات انجام شده به دلایل متعدد-اعم از درون سازمانی و برون سازمانی- به موفقیت مورد نظر دست نیافته است و نظام آموزش و پرورش از کارایی و اثربخشی مطلوب در صحنه تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی برخوردار نیست. به علاوه، بعضی از مشکلات آموزش و پرورش در خلال چهار دهه گذشته همچنان تداوم داشته و حل نشده باقی مانده اند؛ آموزش کتاب محور، نظام مدرک گرا، تأکید بر حفظ مطالب درسی، کم توجهی به تفاوت های فردی، کم توجهی به نیازها و خواسته های فراگیران و جامعه اسلامی، محتوای آموزشی نامناسب و نظام اداری متمرکز، از این جمله اند. با تسریع در روند جهانی شدن، که از اواخر سال های ۱۹۸۰ و با فرو پاشی نظام شوروی سابق اتفاق افتاد، چالش های جدیدی نیز به این مشکلات اضافه شد و نابسامانی های نظام آموزشی را دو چندان کرد؛ چالش هایی چون ضرورت ایجاد آموزش مادام العمر، به کارگیری فناوری های نوین در آموزش و انطباق با تأثیرات همه جانبه آن بر این نظام، ضرورت تربیت شهروندانی جدید باصلاحیت هایی کاملاً متفاوت، رشد فزاینده دانش و کهنگی زود هنگام آن، آموزش مهارت های جدید زندگی، تأمین و تربیت معلمان حرفه ای و کیفی، تربیت مدیرانی انعطاف پذیر و متخصص، ضرورت ایجاد تغییرات اساسی در آموزش های فنی و حرفه ای کشور به منظور پاسخگویی به بازار متحول و متغییر جهانی، حاشیه نشینی، طرد بزرگسالان فاقد مهارت های لازم از چرخه زندگی، ایجاد نابرابری های جدید آموزشی به تبع استفاده از فناوری های اطلاعات و ارتباطات، ضرورت یکپارچه سازی مواد و مطالب درسی، آسیب پذیری هویت ملی و دینی، گسترش شکاف، گسستگی نسل ها و موارد دیگری از این نوع...

متن زیر حاصل گفت و گوی حمید باباوند با آقای دکتر محمود مهر محمدی دانشیار دانشگاه تربیت مدرس و مجری طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش در چشم انداز بیست ساله کشور می باشد که با او درباره نقش سند چشم انداز در تحول آموزش و پرورش گفت و گو کرده ایم.

بدین ترتیب دانش آموزانی را که ما ۲۰ سال پیش، برای فضای امروز جامعه، تربیت کرده ایم با دانش آموزانی که امروز برای ایفای نقش در ۲۰ سال آینده تربیت می کنیم، طبیعتاً از بسیاری جهات با یکدیگر متفاوت هستند؛ چرا که حضور مولد و موثر در شرایط ۲۰ سال آینده و اقتضاهای آن با ۲۰ سال گذشته، متفاوت است.

حضرت علی (ع) نیز فرموده اند: بچه ها را باید برای زمان آینده تربیت کرد و بدین ترتیب فرزندان هم سعادت فردی خود را رقم می زنند و هم به توسعه جامعه خود، می توانند کمک کنند. بنابراین تحول جزو ذاتی آموزش و پرورش است و آموزش و پرورش پویا و زنده باید تغییرات را مرتباً رصد و در ساز و کارها، هدف گذاری ها و برنامه های خود منعکس کند؛ به همین ترتیب ما باید تحول را به عنوان یکی از مهمترین دغدغه های آموزش و پرورش به رسمیت بشناسیم.

جامعه را فراهم کنند، بنابراین آموزش و پرورش باید متناسب با شرایط جامعه، نسل های جدید را مهیای ایفای نقش نماید.

**تحول در آموزش و پرورش تعطیلی ندارد و دلیل آن هم این است که وقتی ما صحبت از تغییر و تحول در آموزش و پرورش می کنیم، ضرورتاً تحول در سطح کلان نیست، تحول در سطح خرد هم می تواند اتفاق بیفتد و این نوع تحول را با عنوان نوآوری یاد می کنیم**

**این روزها بحث تحول در نظام آموزشی و پرورشی، بحث جدی و بسیار مهمی است که از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است. با این سوال شروع می کنیم که چرا آموزش و پرورش نیازمند تحول است و این تحول چه جنس و رنگی دارد؟**

این که آموزش و پرورش چه نیازی به تحول دارد، یک پرسش اساسی است. به نظر من جوامع مختلف به دستگاه رسمی متولی آموزش و پرورش خودشان، دل بسته اند که بتواند خروجی های این سیستم، یعنی نسل های جدید را در گذار به مراحل مختلف توسعه، کفایت کند. آموزش و پرورش باید بر طبق این تعریف، افرادی را تربیت کند که مهیای به پیش بردن جوامع خودشان در شرایط بسیار متحول، متغییر و متلاطم باشند؛ چون ما چنین رسالتی را برای آموزش و پرورش قایل هستیم که آدم هایی را باید تربیت کند تا در عرصه های مختلف، زمینه توسعه و ارتقای

بر این اعتقاد است که کودکان را برای ایفای نقش موثر و مولد در جهت سامان دادن به سعادت فردی و کوشش برای تعالی جامعه، تربیت کنند.

به نظر بنده هدف اساسی آموزش و پرورش باید بسترسازی برای حضور موثر و مولد دانش آموزان در جامعه باشد به گونه ای که در عرصه های مختلف بتوانند به خود و جامعه کمک کنند و فعالیت آموزش و پرورش را نیز با این معیار می توان ارزیابی کرد.

**ما با تکابه مبانی فلسفی برگرفته از باور هایمان، باید پاسخ دهیم که کارکرد اجتماعی آموزش و پرورش اگر مهیا کردن بچه ها برای ورود به یک فرآیند انتقادی انقلابی و رادیکالی نیست، پس چیست؟**

**به دلیل برجسته نشدن نقاط قوت و تقلیل نیافتن ضعف ها در آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی، همواره زمزمه به وجود آمدن تحولات اساسی وجود داشت که در ماه های اخیر به سفارش مقام معظم رهبری، این زمزمه ها به ندای بلندی مبدل شد**

**بنابر این تحول یک جریان است. آیا این جریان در آموزش و پرورش ماقطع بوده و حالامی خواهید بایک اتفاق آن رابه حرکت بیندازیم یاخیر، این جریان بوده وامروزمی خواهیم نگاهی جدی تر به آن داشته باشیم و آن را قوی تر کنیم؟**

تحول در آموزش و پرورش تعطیلی ندارد و دلیل آن هم این است که وقتی ما صحبت از تغییر و تحول در آموزش و پرورش می کنیم، ضرورتاً تحول در سطح کلان نیست، تحول در سطح خرد هم می تواند اتفاق بیفتد و این نوع تحول را با عنوان نوآوری یاد می کنیم.

نوآوری در نظام های آموزشی همواره وجود دارد، اما تحولات کلان در مقاطع زمانی خاص اتفاق می افتد. نوآوری ها در سطح منطقه، مدارس و در ابعاد خاصی اعمال می شود که دارای دو ویژگی هستند: اولاً خاستگاه آن ملی نبوده و ثانیاً معطوف به همه ابعاد آموزش و پرورش نیست، جامعیت ندارد و این نوع تحولات به هیچ وجه توقف بردار نیست. شاید افرادی که معتقدند آموزش و پرورش کشور ما دچار تغییر و تحول، این بخش از تحولات را ندیده اند یا این بخش تحولات به درستی رصد و شناسانده نشده است.

تحول سطح کلان در مقطعی می تواند متوقف شود و در مقطعی بروز و ظهور کند؛ بنابراین تحولات، به ویژه در سطح خرد، جاری و ساری است؛ اما به دلیل پراکندگی و بعضاً عدم مستند کردن آنها به رسمیت شناخته نمی شود. تحولات کلان در هیچ کجای دنیا همواره اعمال نمی شود و غالباً به صورت یک برنامه استراتژیک مطرح و سیر تحول آن در یک برنامه زمان بندی شده، ترسیم می شود و کمتر کشوری تحولات کلان را به طور مستمر، در دستور کار خود دارد. تحولاتی از این دست، پیش از انقلاب بارها انجام شده و پس از انقلاب نیز چندین بار خیزهای اساسی برداشته است؛ مثل تلاشی که در دهه ۶۰ تحت عنوان تغییر بنیادی نظام اتفاق افتاد و در نهایت کلیات آن در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و البته این که آیا این مصوبات عملی شد یا خیر، بحث دیگری است.

البته به دلیل برجسته نشدن نقاط قوت و تقلیل نیافتن ضعف ها در آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی، همواره زمزمه به وجود آمدن تحولات اساسی وجود داشت که در ماه های اخیر به سفارش مقام معظم رهبری، این زمزمه ها به ندای بلندی مبدل شد.

**به اهمیت آموزش و پرورش برای تربیت افراد نقش پذیر اشاره کردید. آیا آموزش و پرورش وظیفه دارد کودکان را برای ایفای نقش در جامعه آرمانی پرورش دهد یا بر حسب نیازهای اجتماعی تربیت کند؟**

این از مسائلی است که در اهداف و برنامه های آموزش و پرورش مطرح می شود و در کشورهای مختلف بر اساس نظریه تربیتی که می پذیرند، اهداف مختلفی را تعقیب می کنند. در کشور ما



به نظر می رسد زمانی که تکلیف نظام آموزشی با حاکمیت به صورت قبل از انقلاب روشن بود، روشن است دشواری آن چنانی به لحاظ نظری وجود نخواهد داشت؛ اما بعد از انقلاب چطور؟ آیا نظریه مدونی برای ارتباط دولت و آموزش و پرورش داریم؟ برخی معتقدند که این نظریه مدون از جنس حمایت و تایید و تصدیق است که گمان می کنم این باور خطرناکی است که نسل جدید را نقش پذیر بار بیاوریم و در یک رابطه تصدیقی صرف یا نظام اجتماعی و سیاسی حاکم قرار دهیم. قطعاً مطلوب انقلاب اسلامی و اسلام نیست و زمینه های رشد جامعه اسلامی را نیز نمی تواند فراهم کند و این جا است که نسبت آموزش و پرورش با نظام سیاسی و نقش خروجی های این سیستم، یعنی نسل جدید، دچار تردید می شود. در جریان تحول باید برای مأموریت اجتماعی آموزش و پرورش هم تکلیفی تعیین شود. به گمان من نه انگاره انکاری و ضدیت راه گشا است و نه انگاره تصدیقی، تمکینی

بر اساس موازین فرهنگی و ارزشی، انتظار ویژه ای داریم که در سایر کشورها نیز بر اساس فلسفه، باورها و... اهداف مختلفی وجود دارد؛ یعنی آموزش و پرورش نسبت به زمینه های فرهنگی و ارزشی بسیار حساس است. این که «هدف اصلی از آموزش چیست؟» یکی از اساسی ترین سوالاتی است که هر نظام آموزشی و پرورشی در برابر آن قرار دارد و پاسخ واحد و مطلق برای آن وجود ندارد. بسیاری از مکاتب فکری موجود معتقدند: افراد باید در چارچوب هنجارهای جامعه قرار بگیرند، تربیت شده و به یک عنصر اجتماعی تبدیل گردند و فردیت آنها منحل شود؛ از سوی دیگر نظریه های تربیتی دیگری نیز وجود دارد که معتقدند باید استعدادها و توانمندی های هر فرد برجسته شود؛ آنچه شما به آن اشاره کردید، یعنی نقش پذیری کودکان، یک حرکت انفعالی است البته ما بر این باور نیستیم و مبانی ارزشی و فلسفی آموزش و پرورش ما

**فیلسوفان امروز ما به جای آن که تولید کننده باشند، مترجم هستند. هر چه داریم فلسفه شرق و غرب است. ما تابع هستیم. در آموزش و پرورش نیز فکر می‌کنیم دچار این قضیه هستیم و نظریه پر داز کم داریم و می‌خواهیم بدانیم که فلسفه آموزش و پرورش در چشم انداز شما چه میزان بومی و چه میزان ترجمه‌ای است؟**

در حوزه فلسفه مضاف و فلسفه تعلیم و تربیت که موضوع بحث ما می‌باشد، باید عرض کنم که برآورد شما درست است و در این زمینه نیز کار چندانی صورت نگرفته است؛ ولی خوشبختانه در سند ملی آموزش و پرورش، که در مراحل پایانی است، به این نکته واقف بودیم و بیش از ۶۰ عنوان مطالعات را سامان دادیم که مهم‌ترین آنها تدوین فلسفه آموزش و پرورش رسمی در ایران بوده و این به معنای آن نیست که بیش از این کاری نشده است؛ از آنجایی که در چارچوب سند ملی، متوجه شدیم که نیازمند کوشش مجدد، متفاوت و متکاملی هستیم، این کار را با نگاه نگران که در سوی شما نیز بود، سامان دادیم. در این زمینه ما دچار غفلت جدی بوده ایم و خوشبختانه تلاش‌هایی صورت گرفته که جبران مافات شود.

**آیا تصمیم ندارید که مطالعات انجام شده را در اختیار دیگران قرار دهید تا روی آن نقد و بررسی انجام دهند؟**

حتماً باید این کار صورت بگیرد؛ اما به موقع، بعد از اعتبار بخشی درونی و احراز کیفیت، قصد داریم این کارها را منتشر کنیم تا درباره آن اظهار نظر شود؛ البته تا کنون نیز جلسات بیرونی داشتیم و از علاقه‌مندان دعوت کردیم ولی هنوز انتشار گسترده صورت نگرفته است.

**یکی از مشکلات آموزش و پرورش تأثیر و تأثر از سیاست‌گذاری‌های مقطعی دولت‌ها بوده است. در این باره چه تمهیدی اندیشیده‌اید؟**

عنايت دارید که حتی سیاست‌گذاری بلندمدت بدون توجه به سیستم‌های مؤثر موازی با آموزش و پرورش مثل رسانه‌ها، بی‌معناست. آموزش و پرورش تاکنون نگاه میان‌مدت و کوتاه‌مدت داشته و راه حل آن نیز برنامه تحول استراتژیک است که در طول تاریخ ۱۵۰ و ۱۶۰ ساله که از سیستم شکل‌گیری آموزش و پرورش مدرن می‌گذرد، از زمان تشکیل دارالفنون تاکنون برنامه بلندمدت نداشته است. برنامه‌های توسعه پیش و پس از انقلاب، عمدتاً در قالب کوتاه‌مدت بوده و لذا در سند ملی تلاش می‌کنیم که به مقوله نظام آموزشی بر یک برنامه ۲۰ ساله تأکید کنیم؛ اما بخش دیگری از سوال شما این است که آموزش و پرورش در بسیاری مواقع تحت تأثیر سیستم‌های مکمل یا محیط‌های بیرونی متعامل با آموزش و پرورش است و آنقدر این مطلب حایز اهمیت می‌باشد که هر چقدر تامل کنیم، جادارد؛ به این معنا که به تحولات آموزش و پرورش به عنوان مقوله‌ای درون‌سازمانی نمی‌توانیم نگاه کنیم. در جریان تحولات آموزش و پرورش باید ضمن آن که مترصد

مالی مناسب با نیازهای آموزش و پرورش، هیچ‌گاه وجود نداشته است. این تنها یک عامل است که تا کنون مورد مشترک و تأیید همه بوده است.

نقشی که من برای عامل مالی قابل‌هستیم این است که مورد مذکور یکی از مهمترین علل عدم توفیق آموزش و پرورش است. در عین حال معتقدم که اگر منابع مالی ایده‌آل شود، آموزش و پرورش هم به طور اتوماتیک ایده‌آل می‌شود. عوامل درونی آموزش و پرورش نیز در بسیاری جهات با مشکل مواجه هستند که یکی از مهم‌ترین این مشکلات، که به از کان آموزش و پرورش یعنی تربیت معلم بر می‌گردد به گمان من، اگر نتوانستیم نیاز جامعه را توسط آموزش و پرورش پاسخ دهیم، در وادی تربیت معلم موفق عمل نکردیم. در جذب، تربیت و نگاه داشتن معلم، موفق نبودیم و هنوز با مشکلات جدی مواجه هستیم؛ ما باید حداقل بخشی از با استعدادترین افراد جامعه را به نظام آموزشی تزریق کنیم و همین طور استعدادهای برجسته باید به سیستم مادر که مولد آنها بوده برگردند، آن چنان که در حال حاضر شاهدش هستیم، آینده‌روشنی برای آموزش و پرورش متصور نیست. برای تحول در نظام آموزش و پرورش بیش و پیش از هر چیز، نیازمند تحول در

### برای تحول در نظام آموزش و پرورش بیش و پیش از هر چیز، نیازمند تحول در انتخاب و تربیت معلم هستیم ما باید حداقل بخشی از با استعدادترین افراد جامعه را به نظام آموزشی تزریق کنیم و همین طور استعدادهای برجسته باید به سیستم مادر مولد آنها برگردند

انتخاب و تربیت معلم هستیم؛ بنابراین تربیت معلم یکی از دلایلی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین برنامه‌های درسی باید مورد بازنگری قرار گیرد. باید کاری کنیم که برنامه‌های درسی پیش از آن که بر سطوح اطلاعات و معلومات تأکید داشته باشد، خوب اندیشیدن، خوب شنیدن، خوب قضاوت کردن و تمایل به یادگیری بیشتر را به دانش‌آموزان تقویت کنیم. چنین نگاهی به برنامه‌های درسی با چیزی که در حال حاضر وجود دارد بسیار متفاوت است.

در حال حاضر جهت‌گیری برنامه درسی، موضوعی و محتوایی است که حجم زیاد اطلاعات را به بچه‌ها منتقل می‌کند و این سیستم آموزشی را به لحاظ کیفیت دچار مشکل می‌سازد و همچنین انگیزه لازم را به دانش‌آموزان نمی‌دهد؛ یادگیری‌ها، جنبه سطحی و مکانیکی پیدا می‌کنند و نتیجه آن، خداحافظی دانش‌آموزان با موضوعات یادگیری به طور صد در صد است.



و انفعالی هدایت‌گر است. ما نیازمند چیزی میان این دو هستیم، یعنی همراهی تمکین‌تاجایی که صاحبان قدرت در چارچوب قواعد و اصول پذیرفته شده حرکت می‌کنند و انتقاد و مقابله زمانی که موازین از سوی صاحبان قدرت زیر پا گذاشته شوند. به نظر می‌رسد که آموزش و پرورش باید از نظریه‌ای پیروی کند که به بچه‌ها قدرت تمیز می‌بخشد و آنها بدانند از مسئولان نظم جامعه، کجا باید حمایت کنند و کجا باید نقد کنند و این کار بسیار دشواری است، وقتی سخن از تحولات کلی آموزش و پرورش به میان می‌آید باید برای موضوعاتی از این قبیل هم تعیین تکلیف کند.

**به نظر شما کاستی‌های نظام آموزش و پرورش در سال‌های گذشته چه بوده است؟**

آموزش و پرورش به رغم تمام تلاشی که نیروهایش در تمام سطوح کشیده‌اند و باید از آنها قدردانی کرد، آنچنان که عرض کردم نتوانسته انتظارات را برآورده سازد و خروجی این سیستم در هیچ یک از مقاطع، نتوانسته صلاحیت‌ها و کیفیت‌ها را از خود نشان دهد و این جای تأسف دارد.

**مقصود شما این است که پس از انقلاب تا کنون آموزش و پرورش در این وضعیت ثابت بوده است.**

بله، باید بپذیریم که نتوانسته‌ایم خروجی مناسب را تحویل دهیم و به این دلیل نیازمند آسیب‌شناسی است که در ابتدا هم خیلی از موارد و موانع به ذهن می‌رسد که می‌توان به آنها اشاره کرد. بارزترین اینها آن است که ما قادر نبودیم در کشور، آموزش و پرورش را در جایگاه واقعی خود ببینیم و در سیاست‌گذاری‌ها و تقسیم منابع در سطح کلان، حق آموزش و پرورش را ادا نکنیم و به آموزش و پرورش در قدر و منزلت تصمیم‌گیری توجه نشده، به ویژه از لحاظ منابع مالی که با دشواری‌های جدی مواجه بوده است و پشتوانه



و حاکمیت و مدیران اصلی نظام، آن میزان که در مقام نظر و تعارف از جایگاه آموزش و پرورش و ثقل زیربنایی آن در توسعه یاد می کنند، این باور را در سیاست گذاری ها و تقسیم منابع در آموزش و پرورش ببینند. این اتفاقی می باشد که نیفتاده است و از این منظر آسیب های زیادی متوجهمان شده است. البته من مقصودم آن نیست که از دولت انتظار داشته باشیم نیمی از درآمدش را صرف آموزش و پرورش کند.

این هیچ جای دنیا اتفاق نمی افتد و شدنی نیست؛ بلکه باید علاوه بر تخصیص منابع کافی در مقام سیاست گذاری، راه کارها را بیابیم که آموزش و پرورش از منابع دیگر نیز ارتزاق کند و آن طوری که شاهدش هستیم دست آموزش و پرورش برای کمک لازم بسته نباشد که اگر موانع قانونی برطرف شود و ما بتوانیم اندیشه تازه ای برای چگونگی تامین منابع مالی مکفی برای آموزش و پرورش پیدا کنیم، نقطه ثقل و تحریمی است که برای تحول در آموزش و پرورش نیاز داریم. این بر می گردد به آن که حاکمان و متولیان نظام تا چه اندازه بخواهند هزینه آن چه را که در مقام نظر می گویند، بپردازند؛ اما در درون آموزش و پرورش، نقطه عزیمت مقابله با بدفهمی است که ما فقط می توانیم با اتکا به ظرفیت های درونی تحول را محقق کنیم.

این به نظر من تصور ناصوابی است که اگر دچار این تفکر باشیم، باید منتظر ناکامی و شکست در تلاش هایمان باشیم؛ بنابراین علاوه بر تاکید و تمرکز بر عوامل درونی، به همان میزان بر نهادهای بیرون از آموزش و پرورش تمرکز کنیم و در یک سیستم همگرای تربیتی جای آنها را نیز مشخص نماییم.

## آموزش و پرورش تاکنون نگاه میان مدت و کوتاه مدت داشته و راه حل آن نیز برنامه تحول استراتژیک است که در طول تاریخ ۱۵۰ و ۱۶۰ سالی که از سیستم شکل گیری آموزش و پرورش مدرن می گذرد، از زمان تشکیل دارالفنون تاکنون برنامه بلند مدت نداشته است

اعم از کارمندان، معلمان، مشاوران و... از بخش کوچکی برای تصمیم گیری، استفاده بهینه به عمل می آید و عملکرد کاملاً تمرکزگرای آموزش و پرورش ما، اکثریت قابل توجه را مجاب کرده که سیستم نیازی به ظرفیت فکری شما ندارد. در نهایت جمع بندی این است که برای خروج از این کندی، آموزش و پرورش نیازمند است که خودش در راستای کاهش تمرکز تغییراتی ایجاد کند و هم لازم است ما در جهت پیشگیری از وارد شدن تهدیدهای آموزشی که در نتیجه کارکرد سایر دستگاه ها است، تقسیم کار ملی را انجام دهیم.

### به نظر شما نقطه آغاز و ثقل تحولات بنیادین آموزش و پرورش کجا است؟

به نظر من نقطه ثقل همین است که چشم ها را بشوییم و نوع دیگر به آموزش و پرورش نگاه کنیم

تحولات بلندمدت در ساز و کارهای درونی هستیم، در پی تقسیم کار ملی باشیم زیرا نمی توانیم بگوییم رسیدن به استانداردهای تربیت جامعه تنها وظیفه آموزش و پرورش است.

بنابراین برای محقق شدن این چشم انداز، نیازمند عزم ملی هستیم و باید جایگاه تمام بازیگران عرصه آموزش و پرورش جامعه تعریف شده و برای آنها وظایف خاصی مشخص شود. امیدواریم که سند ملی آموزش و پرورش برای اولین بار مشخص کند که در سطح ملی هر یک از اجزای جامعه چه وظایفی را باید به عهده بگیرند و چه سیاست هایی را تعقیب کنند.

### آیا تاکید بر ملی بودن سند موجب یکسان سازی در سیستم آموزش و فراموش کردن نیازهای قومی و منطقه ای نمی شود؟

یکی از معضلات آموزش و پرورش کنونی ما، لختی و کندی آن در قبال اتفاقات روز است و به این معنا آموزش و پرورش باید جریان های تاثیرگذار بر عملکرد خود را رصد کند و بازتاب دهد. به این منظور باید سیستم چالاک شود و این چابکی مفهومی است که اگر از منظر آن به آموزش و پرورش نگاه شود، آسیب شناسی خوبی صورت می گیرد. یکی از مهم ترین اتفاقاتی که برای رسیدن به صفت چالاک باید به آن پرداخته شود، تمرکز زدایی است؛ ذاتاً لخت خواهد بود و تا زمانی که در بستر سنجیده تمرکز زدایی نشود، این چابکی و چالاکي به وجود نخواهد آمد. متأسفانه این نگاه دولتی همواره مانع از تفویض اختیار بوده است. من انکار نمی کنم که در برخی زمینه ها، نیازمند تصمیم گیری مرکزی هستیم و بنابراین در سیستم آموزش و پرورش به رغم خیل کارکنان

## معرفی سایت سند ملی توسعه آموزش و پرورش

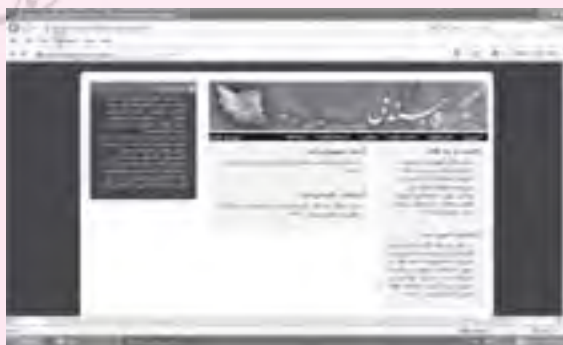
<http://www.sanad.ir>

قرار خواهد گرفت. سپس موقعیت راهبردی آموزش و پرورش برای تحقق این چشم انداز ترسیم خواهد شد که مبنای مناسبی برای تدوین راهبردهای اصلاحی در ابعاد گوناگون و باتوجه به نظام های فرعی تشکیل دهنده آموزش و پرورش می باشد. شکل مدون راهبردها و برنامه های اجرائی هماهنگ با آن، خروجی نهایی این مطالعه است که پس از تصویب توسط مراجع ذی صلاح (شورای عالی آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیأت وزیران، مجلس شورای اسلامی) به منزله سند ملی توسعه آموزش و پرورش راهنمای حرکت نظام در این بخش خواهد شد.

### همکاری با ما

خواهشمند است مقالات، پژوهشها و منابع علمی مرتبط با سند ملی را از طریق فرم مربوطه در صفحه «تماس» به ما معرفی کنید محققان و صاحب نظران آموزش و پرورش را برای کمک به غنای محتوای سایت از طریق فرم مربوطه در صفحه «تماس» به ما معرفی کنید

مشکلات موجود در زمینه آموزش و پرورش را از طریق فرم مربوطه در صفحه «تماس» با ما در میان گذارید.



هدف از راه اندازی این وب سایت بهره مندی از نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده متخصصین، صاحب نظران، مدیران اجرایی آموزش و پرورش، معلمان و دانش آموزان در راستای تدوین سند ملی آموزش و پرورش است.

در این طرح تدوین چشم انداز و مأموریت سند ملی آموزش و پرورش با توجه ویژه به سند چشم انداز توسعه کشور در کانون توجه